

نحمد الله على توفيقه ونصلي على محمد وعترته الطيبين الطاهرين



وتمطبع في المطبع واقع في الزمان في داره في داره في داره

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE7250

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي عزى العزة والبقا والمنزلة عن الغضب والنفاء والشكر بحسن الشاء المعجزة في الارض و
 السماء والمدح بحسن البصايات والاسماء المودع في قلوب الاولياء والانتقاء واصطلمة على
 سواها انزل من قريش في سنة البطي والمبعوث الى العجم والمرتبان في اللوعة والسيرة والهجاء
 الداعي الى الشريعة المشرفة البيضاء والطريقة السكونية العليا المخصوصة من خلق المعظيم والسماء
 المصنوع من المعاصي والافعال على اذ الطاهر من مصابيح الظلماء واصحابه الطيبين
 كنجوم السما في الامتداد والافتاد اما بعد قال العبد الفقير المذنب الى رحمة الملك الوهاب احمد
 حميد بن شهاب الملقب بن نظام اصلي الله له وتقبل اعماله لاجل حسن المشكلات من كتب المصنفين
 اهل الدين المتوسعة لبعض اصحابه واخواني وزمرة اخواني ان عجزتكم المسائل انظار رسيمة
 لا فيها من المعضلات والحوادث الصعوبات فمنعت ملتصقة وكلفت بينهم حتى تاملت فيها ونظرة المتأملين
 ثم شرعت في تفسير على صورة الاسوال والجواب ليكون سهلا في الدكر والفهم وتتمية المشكلات الفقهية والاسال
 المتداولة في فقهنا على الامان فان خير من سؤل واجبا ممول وهو نعم المولى ونعم المجيب
 في جميع المشكلات والافات **سوال** اكثر ابراهيم سنة مائة واربعمائة واربعمائة واربعمائة

اوقات نماز هم بدان طهارت گذارد نماز باید ادا فاسد باشد و بایستی نماز او جایز باشد صورت
 این مسئله چگونه است **جواب** بگوئیم در غسل مضطرب فراموش کرده بود چون آفتاب
 برآمد او آب خورد و بعد نماز پیشین و نماز دیگر و بایستی اوقات هم بدان طهارت گذارد
 پس نماز باید ادا فاسد باشد و ما بایستی بجایز بریزیم که خوردن آب قائم مقام مضطرب شدن است
 اگر ترا پرسند که در این خود چنانچه که در چون صحیح صادق شد وقت نماز باید ادا در آمد آنگاه وضو
 کرد و نماز گذارد صورت این مسئله چگونه است **جواب** بگوئیم در نماز که در شرب باران خود
 مجامعت کرد پیش از غسل اسلام آورد چون وقت نماز باید ادا در آمد وضو کرد و نماز گذارد
 پس نماز او جایز باشد زیرا که حیثیت برود **سوال** اگر ترا پرسند که مردی
 در صحرای هکلیه ارد مرده دیگر آمد و به پهلوی او بایستاد چون آن مرد در نماز فارغ شد حوازی
 نمازی بدست او نشاند اگر خواهد نماز او درست دارد و اگر خواهد باطل کند صورت این مسئله چگونه است
جواب بگوئیم در میان بود و آب نیافته بود که بدان آب است که به تیمم نماز میکند و اگر
 که به پهلوی او بایستاد با خود مطهره برآید و در شرف چنین گویند که اگر به تیمم نماز میکند
 و مرده دیگر در عین نماز آب رسید و پهلوی او بایستاد چون از نماز فارغ شود از آن مرده
 آب طلبد اگر آن مرده آب بنده نماز او درست باشد و اگر بدین نماز که کرده است باطل شود زیرا که
 موجود بودن آب در نماز تیمم شک نیست بصلاح و فساد نماز او بدست او نشاند اگر خواهد نماز او درست
 دارد و اگر خواهد باطل کند **سوال** اگر ترا پرسند که بنده مرده در راه میرفتند هم
 آثار راه بنده از او شده و هوای گشت و مرده بنده شد صورت این مسئله چگونه است **جواب**
 بگوئیم او کافر می حربی است او بنده مسلم را در حرب خیز کرده بود و بعد آن حرب
 بآن بنده بجزایمان در راه اسلام در آید هر که بر او غلبه نمود بگیرد و مالک گردد و نزدیکی و حقیقت
 کوفته اما نزد یک صاحب بنده مالک نگردد و بکن خواهر شود و همچنین اگر

و همچنین اگر حرب از دوا حرب امان خواسته در دوا اسلام در آمد و باز رفت و غلامی
 خرید در شریعت حکم این آنست که اگر حرب امان خواسته مضحکی در دوا اسلام در آمد و بیکس
 و شتی نباشد اما چون از شهر بیرون رود هر که بر روی غالب شود بکس در مالک گرد و چون
 این غلام از شهر بیرون آمد هر گشت و آن حرلی را مالک شد **سوال** اگر ترا بر سندانم بخاشی
 که هست تا بگویند یک شود اما آن نجاست کدام است که بغیر از آب پاک میشود **جواب** بگو آن
 خم و پوست مرد است زیرا که خم یک انداختن پاک میشود و پوست مرد در آب باغت **سوال** اگر
 ترا بر سندان و شوهر بر یک بستر خفته بودند چون بیدار شدند در بستر آب منی دیدند و
 بر دوا احکام انکار آوردند غسل بر کس واجب شود چگونه باشد **جواب** بگو درین اختلاف
 متنازع است گفته اند اگر آب منی بر بستر دراز است بر مرد غسل واجب شود و اگر پس بویافته
 است بر زن غسل واجب شود و اگر پسید است بر مرد غسل واجب شود و اگر زرد است بر زن غسل
 واجب شود و لیکن اولی آنست که از جهت احتیاط بر دو غسل **سوال** اگر ترا بر سندانم
 مسجور رفت و پاک شده بر آه چگونه باشد **جواب** بگو چنانچه غسل کرده بود در غسل منقضی
 نموده بود در شریعت جنب یا منقضی فریضه است او درون مسجد رفت و منقضی کرده آب بخورد
 پاک شده بیرون آمد **سوال** اگر ترا بر سندانم در غار دو گانه شروع کردم در دو رکعت نماز
 بیست سجده کرد چگونه باشد **جواب** بگو آنقدر خافتم و آنست یعنی تمام قرآن در دو رکعت نماز ختم کرد
 است پس چهارده سجده ملاوتشت و چهار سجده نماز دو سجده سهو **سوال** اگر ترا بر سندانم
 تسبیح کامل دارد و آذکوة بروی واجب شد مع ذلک فقیر است و اخذ صدقه مرا و اجازت
 چگونه است **جواب** بگو آنقدر نیست که بیخ شمر دارد ولیکن قیمت شتران و بستان درم شریعی نیست
 پس او شایسته گویند و اخذ صدقه مرا و اجازت باشد اگر چه آذکوة شتران بروی واجب شده
 است **سوال** اگر ترا بر سندانم مردی قومی را در مسجد امامت میکرد و هم در آنای آن مردی
 آمد و بر موزه نازیان نزد نماز میفاسد گشت چگونه باشد **جواب** بگو آن امام در وضو مسج موزه را

کرده بود بجهان امامت میکرد چون آن مرد بر موزه خود تازیانه زد و مسح موزه یاد آورده نماز
 همه تابه و فاسد گشت زیرا که مسح موزه بر سر و رخسار بود چون نماز او فاسد شد نماز مقتدی
 نیز فاسد شود **سوال** اگر ترا بر سجد جاتی مسافران بمسافران اقتدا کرده بودند یک
 ازین مقتدیان نیت اقامت کرد نماز بر فاسد گشت چگونه باشد **جواب** بگو آن مرد که امامت
 کرد او بنده بود و موافق او در نماز نیت اقامت کرد بنده بالاین حال خبر نمود نماز مسافر آنکه از
 و سلام داد پس نماز ایشان فاسد شد زیرا که بر ایشان نماز مقتدانه واجب است بر امام از جهت اقامت
 موسی و بر مقتدیان از جهت تبع امام **سوال** اگر ترا بر سجد که امامی و موسی و جماعتین در سجده
 نماز میکند از دهم درین اتمام در آن مسجد رسیدن امام و موزن حرام گشت و جماعتی ترا
 سیاست واجب شد و لایق آن گشت که مسجد را خراب کند چگونه باشد **جواب** بگو مردی
 و وزن داشت او بسفر رفت چون او را در سفر ندیده برآمد زن آن او خواستند که شوهر دیگر کند
 حلیه انگیزند و بر قاضی موافقت کردند که مدتی است شوهر ما در سفر رفته است و زین وقت او را
 مرده ما را اجازت ده تا یک کنیم و خوشتر دیگر کنیم قاضی بر موت شوهر ایشان گواهی طلبید همین مرد
 که جماعتیان اندیش قاضی گواهی دروغ داده بودند که ما خبر داریم که شوهر ایشان در سفر
 مرده است قاضی گواهی ایشان آن دوزخ را بایستی کشد که در سینه امام را خواست دو
 مورد نماز خانه او را مسجد ساخته و در آن امام و موزن در آن مسجد نماز میکند از دهن و آن در
 گواه دروغ نیز به واقعه کرده بودند آنکه آن مرد از سفر رسید چون او مرده بود زنان آن بختیار
 زنان او شدند بر امام و موزن حرام گشتند چون آن جماعتیان که گواهی دروغ داده بودند
 بر ایشان سیاست واجب شد چون خانه که او را مسجد کرده بودند ملک آن مرد بود و شرعاً او قوی
 که مسجد را خراب کند و باز خانه سازد **سوال** اگر ترا بر سجد مردی و موزن در آن مسجد است و جماعتی
 او را نماز است چگونه باشد **جواب** بگو آن مردی است که در نماز او راحت رسیده است
 و از جهت وضو از مسجد بیرون آمد پس او نماز است مادر اگر افعال مناصحه نگردد و خاچی

خنده و قهقهه و کلام جز آن **سوال** اگر ترا پرسند که در اندام متوسل صلی که امام عضو است که
دستی نشستن آن فرض است دست نه **جواب** بگو آن دو عضو است در پنج و چهار ضعیف
زیر که پیش از بریدن ریش آن دو عضو بر سینه فرض است بعد از بریدن ریش
آن دو عضو فرض نیست از جهت **سوال** مردی در نماز شام شروع کرد و هم در سه رکعت نماز
نه کرت تشهد خواند چگونه باشد **جواب** بگو آن مرد سبق است که امام را در رکعت دوم بعد از
برداشتن سر از رکوع در یافت و بر او سه در قهقهه او بی تشهد خواند پس یک تشهد
بجین باشد بعد یک رکعت که از نماز امام باقی مانده بود که از نماز بر امام گذارد دوم کرت تشهد
بعد از امام را در نماز سه بوده بجه سهر کرد و تشهد خواند او نیز متابعت کرد سوم بار تشهد خواند
بعد از آن امام بجه تلاوت را که در نماز واجب شده است یاد آورد و بجه کرد و تشهد خواند او نیز
متابعت کرد چهارم کرت تشهد خواند و نیز امام بجه سهر پس این بجا آورد و نیز متابعت بخیم با امام
تشهد خواند چون امام سلام داد و از نماز بر او آمده بجه او از جهت قضا سه دو رکعت
که از وفوت شده بود درخواست یک رکعت گذارد ششم مرتبه تشهد خواند بجه بر رکعت سیوم
شد و بجه از هفتم بار تشهد خواند بعد از آن بجه سهر که ازین دو رکعت بر او واجب شده است
بجا آورد و ششم بار تشهد خواند بعد از آن بجه تلاوت آورد و نهم کرت تشهد خواند **سوال**
اگر ترا پرسند مردی در دو گانه نماز را در شروع کرد و هم در دو رکعت نماز هفت سجده کرد چگونه باشد
جواب بگو آن سبق است که امام را در رکعت دوم بعد از برداشتن سر از رکوع یافته بود هم نماز
ساعت امام محمد گشت همان سبق را خلیفه گرفت او و بجه که امام از رکعت دوم گذار شد بود
که در یک بجه دیگر که امام در رکعت اول فراموش کرده بود از نماز قضا کرد و بجه تشهد خواند مقتدر
خلیفه از جهت سلام گرفت و خود بر او سه ادا سه آن دو رکعت که از او سه فوت شده بود
برخواست چهار بجه درین دو رکعت کرد چهل هفت سجده شد **سوال** اگر ترا پرسند
یک در اندام متوسل صلی که امام عضو است که به نشستن آن جائز است

جایز است و نه مسح آن چگونه باشد **جواب** بگو آن بای مسج است که در مدت مسح از
موزه کشیده است زیرا که اگر آن با مسج نشود و بر پا دوم مسح کند میان غسل و مسح
اجتماع حاصل شود و آن روایت و اگر بدان مسح اول گفته اند هم روا باشد زیرا که
چون در مدت مسح یک بار موزه کشیده بر سر واجب باشد که بای دوم هم بکشد هر دو با هم
سوال اگر ترا بر سنده مرد یا بچرخن نشسته بود از او پرسیدند که این زن را که با او
گفت که یک زن است و دو خواهر است و دو کنیز من است و این هر چرخن یکدیگر را
باشند چگونه باشد **جواب** بگو مردی که کنیزک با او دختر خیده بود و یکی از آن دختر را از او
در سر خود راعه کرده و دو خود آن کنیزک را در تصرف خود آورد و از دو دختر نشاند بعد
از وفات آن دو دختر که از پدر او بودند مر آن پس را خواهر آن پس باشد و یک دختر
را باشد و دو دختر دیگر چون نیده پدر او بودند میراث پدر رسیده پس چند دختر که از

شکم اندکی زن او باشد و دو خواهر او و دو کنیزک او **سوال** اگر ترا بر سنده و یک زن و
یک دختر و یک کنیزکی است یکی از این سه زن با او نامیده بر فرزند گفت که آن زن آفر دست پس
او را طلاق و اگر کنیزکی آفر دست او را از او کردم اگر دختر آن مرد است چند جو با هم و در سبب
میگند نیز بر زبان رانده بعد در خانه درآمد و این ترا پرسید که از میان شما با او نامیده
بود هر یکی گفت که من بودم آن مرد که آنکه می کند و قول که استعبر دارد چگونه باشد **جواب** بگو قول
دختر معتبر بود و چند خوب زدن بر او میزد و واجب آید زیرا که در قول هر یک احتمال که سبب است
کنیز که از جهت آزاد میگوید و زن از جهت آن میگوید تا طلاق بر او گفته و از خود خطا
یابد اما بر دختر هیچ احتمال کذب نیست قول دختر معتبر باشد **سوال** اگر ترا بر سنده و زن و نامیده
خبر هتاریک بی آوردند یکی پس و یکی دختر هر یکی از ایشان میگوید که من آفریده ام و آن
پیش قاضی روند قاضی چگونه کند **جواب** بگو دو شوق خور و بیار و مرد و یک و زن و نیز میان
کرده و زن نمای شیر بر که گران باشد پس او را بدین **سوال** اگر ترا بر سنده و زن و نامیده

ایمان در نکاح بند من کرده اول خطبه نکاح من خوانده بودم چگونه باشد جواب بگویم در اول از کس
خود پرسیده بود آن کس نیز نکاح را کرده و چون بسیار بزرگ شده اند از دهمان کس نیز نکاح را کرده و خود
و خطبه آن بسیار خوانده **سوال** اگر زن را بر سرش بگذارد و بعد از آن در دم مثل بزنی خواست و در
سفر رفت زن او مکتوب نیست فرستاد و گمان زن شوهر است دیگر کرده است و بخرج است
چنان کند که بر سر من تجمل خراب بفرستد چگونه باشد **جواب** بگویم که زن در آن زن بود
چون پیران و وفات یافت آن بنده بارت ملک آن زن گشت و نکاحی که میان ایشان بود فاسد
شد بعد آن زن که گشتن عدت شوهر دیگر کرد آن بنده در سفر بود و مکتوب نوشت و خرج او
سوال مردی از خانه بیرون آمد و در بازار رفت ساعتی در بازار بجزید و در وقت مشغول
بعد از باز آمد از خانه آمد چه بیند کرد آن شوهر است دیگر کرده است و با او بدوق و تنعم مشغول گشته
چگونه باشد **جواب** بگویم که اگر طلاق زن خود را بر سرش معلق کرده بود که اگر از بازید سخن گوید و
بی اذن من از خانه بیرون آید ترا طلاق بعد از بازید سخن کرد و اذن او از خانه بیرون آمد بر آن
زن هر سه طلاق واقع شد و آن زن حامله بود در آن ساعت وضع حمل کرد و بدید عدت او بدوق جنس حمل تقا
شد بعد از انقضای عدت شوهر است دیگر کرده است و با او بدوق و تنعم مشغول گشته **سوال** در
تنها بر سر راه نشسته بود مرد او را پرسید که چیست نه او گفت میخواهم که نفس خود را بکسی بزنی دهم
گفت که مرا بزن بده او گفت ادم افز و بپاوی بنشین مرا دیگر آمد او نیز پرسید که چایچه نشسته
گفت میخواهم که نفس خود را به کسی بزنم دهم او گفت که مرا بزن ده او گفت ادم اومم به پهلوی او
بنشین بعد از مرد دیگر آمد و پرسید او را نیز همچنان جوان او دهنه بمیان آمد بعد از هر یک شخصیت
کنان بر قافله رفت و صورت حال چایچه گشته بود باز نمودن حاکم بعد تحقیق بجز از نکاح سیوم کم
کرد و آن زن او را دانید چگونه باشد **جواب** بگویم آن نکاح اول بغير او شده بود و نکاح غیر
از شهید باطل است همچنین نکاح دوم آن نکاح سیوم جایز بود زیرا چه عین دو کس که در یک کس
نشسته بودند گواه شده اند پس نکاح ایشان فاسد و نکاح او جایز باشد **سوال** مردی دارد

خواهر خود را در یک عقد به زار دوم مثل مردی بزرگی داد و نکاح هر سه جایز بود چگونه
 باشد جواب گو آن هر سه زن میان خود بیگانه اند پس اجتماع ایشان در عقد واحد
 درست باشد صورت مسئله آنست که میان دو کس شتر یک بود آن کس که سیر
 آورده هر دو شتر یک در حق سبب او گردانند پس سبب او هر دو شتر یک ثابت شود و هر
 ایشان هر دو پدر او بودند و این هر دو پدر او را یکا این یکا حق خود را از دست دیگر
 سیر را آن هر دو شتر خواهر بودند از طرف پدر پس او بعد از وفات هم پدر را دارد
 هر دو خواهر خود را در یک عقد مردی بزرگی داد پس نکاح ایشان جایز باشد زیرا که
 میان ایشان هیچ تر است نیست **سوال** مردی دو زن داشت یک ازین دوری
 بچه را شیر داد زن دوم بران مرد حرام شد چگونه باشد **جواب** گو آن زن دوم که بچه
 حرام شده است کسیر که مردی بود او در نکاح آن بچه بود چون سبب او را از او کرد مالک
 خود گشت و نکاح را بر انداخت و بعد از آنکه شتر عدت نشوهر می دیگر کرد آن شوهر
 دیگر هم داشت آن زن این بچه را شیر داد آن زن دوم که اول در نکاح آن بچه بود بران مرد حرام
 گشت زیرا که آن بچه سیر رضاعی آن مرد شد و زن سیر رضاعی محال نیست چنانکه زن سیر
 نسبی محال **سوال** مردی دو خواهر خود را در یک عقد به زار دوم مثل مردی بزرگی داد
 نکاح هر دو درست بود چگونه باشد **جواب** گو آن هر دو خواهر او میان خود بیگانه اند
 پس اجتماع ایشان در یک عقد درست باشد صورت مسئله آنست که مردی زنی را بدو هم
 مثل بر سر خواست و از آن سیر آورد آن زن و شتر هم داشت از شوهر دیگر و این مرد
 دختر بر سر داشت از زن دیگر بچه آمد و وفات کرد پس آن مرد هر دو خواهر خود را که
 یک از قبل مادر بود دوم از قبل پدر به زار دوم بزرگی داد پس نکاح هر دو
 درست باشد زیرا که میان ایشان هیچ تر است نیست **سوال** مردی دو خواهر را به جمع جمع و
 به زار دوم فروخت و آن سیم بر نفس خود و بر عیال خود انفاق کرد چگونه باشد **جواب**

بگویند او بنده مردی بود آن بنده باذن مولی تر خواست و از او پس آورد
 و آن پس را بالغ بنده مادر او وفات یافت پس او بر مولی خود مهر مادر خود مولی
 از جهت فروختن آن بنده همان پس را و او کیل کرد پس او حکم و کالت مولی بر خود فروخت
 و درم از آن او در مهر مادر خود مستغفار و **سوال** بچاریست مادر او مدی او بنده و خود را
 بغیر عتاق کس چگونه باشد **جواب** بگو آن بچاریست که مدی او باذن مولی کنیز که مدی خود
 بر سر کرده بود و پدر او حراست از او پس آورد پس او باذن زیر که پس آن حراست
سوال مردی زنی را بغیر نکاح و طی کرد و آن زن بر مدی خود مهر کرد و پیش حاکم مسلمانان
 برد و از ثبوت آن مهر و از دوم عدلت و ثبوت نسب و ... چگونه باشد **جواب**
 بگو آن نقطه و است بشبه نکاح صورت این مسئله است مردی زنی را مدی درم مثل
 ... و چون وقت خلوت شد اهل آن زن دست دیگر خطی بر او فرستادند و گفتند
 که این زن شست و آخر در این حال نیز بود تمام شب هر دو یکجا بودند چون با او شد آن
 زن دعوای مهر کرد و او را پیش حاکم مسلمانان برد حاکم بعد از ثبوت مردی حکم کند **سوال**
 زن نفس خود را در یک عقد بدو مرد بر نهد و نکاح یکی جایز و نکاح دوم فاسد چگونه باشد
جواب بگو اگر دو نکاح او فاسد است در خانه چهار زن داشت و آن پنجم زن در شرع درست
 نیست پس نکاح او فاسد و نکاح دیگری جایز **سوال** زنیت مهر او بر دهم مردی واجب
 شد و میان ایشان زن نامشروعی نیست چگونه باشد **جواب** بگو که شوهر آن زن نامشروعی است
 نکاح خود و کیل ساخته بود آن مرد حکم و کالت او زنی را در نکاح کرد و ضمان مهر او شد پس
 حکم ضمانت مهر بر دهم او را چه میان ایشان زن نامشروعی نیست و الله اعلم بالصواب
سوال زنی از کسی شوهر خود دیدم بستید و بر قصاب فرستاد او گوشت وزن کرد و در
 آن درم در میان درم در کسی خود انداخت بعد شوهر او را بستید بر خود گفت اگر فاسد
 این درم امر و زنیار ... پس ترا طلاق آن بر قصاب فاسد اندرم از ... طلبه او گفت

که من اندرم در یک میان در هم خود انداخته ام نمیدانم که آن درم گدای است چگونه باشد و ده
 حیل آن چیست **جواب** بگو حیل در صورت آنست که قیاس با نام دهم بیارد و مشهور خرقه
 است که کند طلاق بروسه واقع نشود **سوال** زن فی قرح آب از زمین برداشت میخواست که در
 آن آب که قرح بخورد شوهرش گفت که اگر تو آن آب بخورس یا بریزس ترا طلاق تمام اگر آن دم
 بر زمین نیفتد و هم اگر کسی بپوشد ترا سه طلاق چگونه باشد و حیل آن چیست **جواب** بگو حیل در صورت
 آنست که جامه خشک میان آب قرح بیندازد و جامه تمام آب از آن جامه در خورد و طلاق نیست **سوال**
 مرد زن خود را گفت که اگر تو در یک چیزی بر سر کنی منی آن حلال باشد و منی آن حرام است و الا
 سه طلاق چگونه باشد **جواب** بگو شرابی در یک بنیاد از دو میضه میان آن اندازد و بر دو طلاق
 میفتد **سوال** مرد از طعم از دهان مرد خود او را گفت که اگر تو بخورس پس من از امر خود سه طلاق و
 اگر بیرون اندازس نیز او را طلاق حیل آن چیست **جواب** بگو حیل در صورت آنست که منی از آن
 لقمه بخورد و منی بیرون اندازد تا حانت نشود **سوال** مردی سوگند خورد که امر و زورتان تا خاتم
 بعده وقت نماز و آن فراتر چگونه خواهد **جواب** بگو بجماعت بگذارد یعنی به کسی افتد که بجماعت
 و آن نشود و حانت نکرد **سوال** مردی سوگند خورد که امر و زورتان تا خاتم بعده وقت نماز بجماعت بگذارد
 و باز زن خود جماعت کرد و گفت که غسل زرد و زینارم و آب موجود دارد و صحیح الب نیست حیل آن
جواب بگو نماز پیشین و نماز دیگر بجماعت بگذارد و بعد از آن جماعت کند و بعد از آن غسل کند و بعد
 نماز شام و نماز نصف بجماعت بگذارد تا حانت نشود زیرا که بخوف نماز بجماعت گذارد دوم در روز
 غسل کرد **سوال** مردی زن خود را گفت که اگر من یا آن زن به باجماعت نکند پس ترا سه طلاق حیل
 آن چیست **جواب** بگو در صورت حیا آنست که در محفل و راج کند و در نزد بیرون کرد با آن آن قراح
 کند تا حانت نشود **سوال** مردی در دو سوگند خورد که این بنده را نفر و شتم و بجنبش بعد از
 میخواست که بفرزند حیل آن چیست **جواب** بگو حیل در صورت آنست که منی از آن بنده بفرزند
 بجنبش تا حانت نشود **سوال** مردی در ماه رمضان سوگند خورد که طعم عشا نخورم بعد از وقت طلاق

درآمد چگونه طعام خورد و حیال آن عیبت جواب بگویند در صورت آنست که بعد از گذشتن ششم
طعام خورد و زهر آن طعام را عیبت نگویند بلکه طعام سحر گویند و همچنین اگر مردی سوگن خورد
که طعام جاشت بخورد بعد از زوال خورد تا حاشا نشود **سوال** مردی وفات یافت چنان
زن کند آنست یکی از ترکه شوهر میراث برد و دوم نه میراث نه میسران سیوم میراث یافت و آن
میراث محروم ماند چهارم میراث یافت و از میراث محروم ماند چگونه باشد **جواب** آنست که در ترکه شوهر
از میراث محروم است آن کنیز که است که متوا و از زنی داده است و مهر او از شوهر گرفته است
باز مهر او را نیاید و حرمان از آن سبب آنکه او بنده است زیرا که بنده از کسی میراث نبرد اما آنکه مهر
یافت و از میراث محروم است آن نصرانی است در نکاح آن مسلم بود و میراث از ترکه شوهر برادران
او بر گرفته شوهر و نیست اما حرمان از آن سبب آنکه او کافره است زیرا که کافره از مسلم میراث
نبرد و آنکه میراث برده است از میراث محروم مانده است آن کنیز که است که موی او را بریده داده است و بعد
از بستن مهر او را داده کرده است پس از او را مهر نیاید اما میراث یابد زیرا که او حر است همچون
زنان دیگر و آنکه مهر و میراث برادران مسلم حره است **سوال** مردی وفات یافت و از ترکه آنست یکی
از ترکه پدر بزرگ میراث برد و دوم ثلث میراث محروم ماند چگونه باشد **جواب** آنست که آن میت بنده مرد
بود و در دختر داشت یکی بنده بود و دو آزاد و یکی از دو دختر آزاد و پدر خود را برادر بزرگوار داشت
و پدر که فرستاده بود و در محرم خود را برادر بزرگوار فرستاده بود و دو دختر که آزاد و وفات یافت و درم مثلاً که
بعد از او کسب کرده بود و ترکه گذار داشت ثلثان از آن ترکه هر دو دختر که آزاد اند ایشان بر بنده و ثلث
باقی هم یکی از این دو دختر که پدر خود را برادر بزرگوار فرستاده بود و پدر بزرگوار که متوفی است پس یک ثلث ترکه دوم
ثلثان و آنکه بنده بود و محروم ماند زیرا که بنده است **سوال** عصبه که هم کسان اند
جواب عصبه چهار قسم است قسم اول زوج یعنی آنها که اولاد میت اند قسم دوم اصول یعنی آنها
که میت در اولاد آنهاست مثل پدر و جد و جد و جد و جد که بالار و قسم سوم فرزند یعنی آنها
که در اولاد پدر میت اند مثل برادر و برادر زاده و اولاد برادر زاده چهارم زوج جد یعنی

آنها که اولاد جدا میباشند مثل عم و دایه و عمه و دایه اعظم بالصواب و الیه المآب **سوال**
 رسته وفات یافت و برادر او در گذشت یکی از ترکه آن زن سه برادر و دو هم یک هم چگونه
 باشد **جواب** بگو اگر سه برادر است آن شوهر میت است اول از ترکه آن زن خود نصف میراث
 بر دایه هر دو برادران یا لیس نصف قسمت کردند یکی را سه برادر و دو هم یک هم **سوال**
 جماعتی متروکه مورث خود قسمت میکردند رسته آمد منعی که در وقت بحالت کفایت این زن نیامد
 است اگر در این محل من دفتر است تمام دو میراث خواهم بود و اگر در سیرت من میراث میهم نه و اگر در سیرت
جواب بگو آن زن کینه که مرگ است که در نکاح آن میت بود و از و حمل داشت مونی با و گفته بود
 که اگر آن حمل که در شکم است دفتر است پس ترا از او کردم بعد به پیش از آن که وضع حمل کند شوهرش
 وفات یافته بود و در دم مثلاً ملک خود گذشت و رسته آن متروکه میان خود قسمت میکرد آن
 زن آمد این را منعی که در سیرت و در سیرت واجب است بر این زن که در قسمت متروکه توقف دارند
 تا وضع حمل شود اگر آن زن دفتر است در حال آزاد شود و این زن بر دو میراث بر نهد و در نهان
 دو میراث بر نه **سوال** مردی وفات یافت برادر مادر و پدری و شش برادر گذشت تمام ترکه او
 با و بود برادر مادر و پدری و شش برادر برادر مادر و پدری و شش برادر برادر مادر و پدری و شش برادر
 از جهت دیگر بر نه است صورت این مسئله است و برادر می بقیه جمع و شش برادر و دو هم شش
 سزنی خواست و میراث آن مرد از رسته دیگر بود مادر آن زن بدو برادر خواست بعد از آن
 زن یعنی زن میراث میراث آورده پس آن میراث خود را خواست و برادر بانه زیرا که برادر زن است
 و میراث میت نیز باشد با و بود و برادر محروم است زیرا که او میراث میت است و میراث حق باشد
 میراث برادر از برادر دایه اعظم بالصواب **سوال** بجهت آنکه نزد یک امام ابوحنیفه قول
 او در راه رمضان است و نزد یک امام ابو یوسف قول او در راه شوال چگونه باشد **جواب** بگو
 بجهت آنکه نزد یک امام ابو یوسف قول او در راه رمضان است که از روز بیام ماه رمضان بود و در آن شب
 کسی ماه ندید چون روز شد بعد از آن ماه را دید نزد یک امام اعظم رویت را اعتبار نیست

پس از روز ماه رمضان باشد افطار را در روز حلال نه باشد و نزدیکی امام ابو یوسف آن
روایت را اعتبار است آن روز از استوال باشد **سوال** یعنی است که بر قول بحیثیه بگوید
شیرین شامی بکشد چگونه باشد **جواب** بگویند زنیت که بکارت او به زن دادا باشد
است نزدیکی بحیثیه او بکارت است تا اگر مردی وصیت کرد که این ده درهم را بکار
فلانرا بدهی او در وصیت داخل شود و نزدیکی امام شافعی او را بکند گویند در وصیت
داخل نشود **سوال** یعنی آنچه آورده بود آن بچه مرد او را پرسیدند که زن ده آورده بود می یاف
گفت زن ده بر قول بحیثیه رحمه الله علیه زن ده و بر قول امام مالک مرده صورت این مسئله
باشد **جواب** بگویند آن بچه ایست که بعد از تولد دست و پا جنبانیده بود بعد مرد زیراک دست
و پا جنبانیدن و بیک چشم گردانیدن و عطسه زدن همه علامت حیات است نزدیکی امام عظیم
از نزدیکی امام مالک حکم حیات نکنند تا آنکه آواز بلند نه گردید **سوال** زنید مکتوبی بر عمر فرستاد
مردم او را پرسیدند که زیر بر مکتوبی فرستاده است از خوانده بانه او گفت اگر خوانده
بر قول امام محمد خوانده است و بر قول امام ابو یوسف نه چگونه باشد بگویند آن مکتوب نظر کرده
لب زبان جنبانیده است نزدیکی امام محمد در صورت او را قاری گویند تا اگر مردی که در مکتوب فلان
تو اعم بعد او در مکتوب نظر کرد و ضمن آن دریافت نزدیکی امام محمد حالت نشود زیرا که او را قاری گویند
نزدیکی امام ابو یوسف حالت نشود و او را قاری گویند تا که لب زبان جنبانیده **سوال** در دست که بر قول بحیثیه
صالح باشد و بر قول شافعی چگونه باشد **جواب** بگویند است که بعد از طلوع فجر نیت صوم فرض کرده باشد
پس نزدیکی امام عظیم او صایم باشد زیرا که نزد او نیت صوم فرض نیت شرط نیست و نزدیکی امام شافعی
زیرا که او نیت را از شرط میکند و الله اعلم بالصواب **سوال** مردی که زن ده در مکتوب بر خواست میسر نکرده از آن
دیگر بود و آن زن بزنی کرد بعد هر یکی از ایشان میسر بود و از میان هر دو میسر **جواب** بگویند
بهر پدر میسر را او داشته و میسر هر یک را میسر پدر یا میسر باشد اگر بر عکس باشد یعنی پدر آن زن را
کند و پدر آن زن را نکاح کند هر یکی از ایشان میسر آورده در صورت میسر پدر میسر را او داشته

حالت شام
۱۴۰۵

از طرف پدر و نیاک نیز باشد از طرف مادر اما پس سپهر سپهر پدر را برادر زاده باشد از
طرف پدر و خواهر زاده باشد از طرف مادر **سوال** نیا در عمر را بچه خود و عمر مادر زید
یکی از ایشان پس آرد چه فراتجا شود میان هر دو **جواب** بگو پس زید عمر را و پدر باشد
و پس عمر سپهر زید را برادر و اگر عمر دختر زید را بخواهند و زید دختر عمر را که از زید دیگر است
هر یک از ایشان پس آرد و در صورت پس عمر سپهر زید را نیا باشد و پس زید سپهر را نیا باشد
سوال مرد زنی بده دم مثل برخواست و پس عمر که از زنی دیگر بود دختر آنرا که از سپهر دیگر
برست و بعد هر یک از ایشان پس آرد میان هر دو پس چه فراتجا شود **جواب** بگو پس
پدر سپهر را و پدر باشد از طرف پدر و پس سپهر سپهر پدر را خواهر زاده باشد از طرف مادر
و اندا علم باصواب **سوال** کدام نماز است که بعد از آن قضا لازم نشود **جواب** بگو که
نماز عید است بعد شروع در نماز آن قضا لازم نشود **سوال** کدام مسجد است که در بعضی
اوقات حکم مسجد نیست **جواب** مسجدی است که در آن نماز و حکم مسجد است و در غیر آن
حکم مسجد نیست **سوال** کدام مصلی است که نماز او بغیر قرات است **جواب** بگو آن
قرا خواندن منیداند و لاجئ یعنی آنکه با امام در نماز شروع کرده بود و او را حدث
لاقی شد پس او وضو سازد و نماز بغیر قرات تمام کند زیرا که او حکم را پس امام است و لهذا
اگر در وقت سهو کند سجده سهو لازم نیاید **سوال** مردی در نماز بود و قرآن خواند نماز
فاسد شد چگونه باشد **جواب** آنکه در وقت که او را حدث لاقی شده در قیام خون برآید
و صورت چپ از قرآن خواند نماز او فاسد گردد زیرا که او اگر چیزی از صلو
بغیر وضو **سوال** چه حکم است که آدمی را چون عطسه آید راحتی در نفس خود می یابد
جواب از آنکه روح در بعضی اوقات میخوابد که ازین جا که بگریزد و سو مقام خود را
کند از تن بیرون آید سو که بر خنجر میزد شاید که از سو که خنجر میاید پس از دماغ او آید
برای آنکه باش منفرز وقت بیرون شدن فوتیاده است پس قرات سکر و از است که او

بود اما از خوف انش بقتل ای بود پس جاسے خوف نباشد و امید علم با اصول پس **سوال**
 نماز میگردارد چون جانب راست سلام داد نماز وی فاسد گشت و چون جانب چپ سلام داد
 ز کوه تبری لازم شد پس نظر کرد بسوی آسمان صوم واجب شد بعد پس پشت نظر کرد و بعد
 از او گشت بعد بر زمین نشست حج لازم شد پس پیش خود نظر کرد و زن بروی حرام شد چو آن
 آن مردیست که نماز به تیمم میگردارد چون بر پشت سلام داد و نظرش بر آب افتاد نماز او فاسد شد
 و چون جانب چپ سلام داد و دید که شریک او از سفر آمده است و مال آورده بر وزکات واجب شد
 و چون نظر بسوی آسمان کرد بلال ماه رمضان دید صوم بر او لازم شد چون پس خود نظر کرد مادر و پدر
 خود را که در ملک او در آمده بودند آواز شدند و چون بر زمین نشست حج لازم شد زیرا که میان او
 و میان مکه سه روزه راه بود و نمی شد و چون پیش خود نظر کرد نظر او به پشت بر بزرگ
 زن افتاد و زن بروی حرام شد **سوال** مردی مسافر در میان نماز به تیمم میگردارد در میان
 نماز از شنیدن آواز ستور خود نمازش فاسد شد چگونه باشد **جواب** آن مرد اسباب خود بر ستور
 بار کرده بود و کوزه بر آب نیز در میان اسباب بود و آن ستور گم شده بود و چون وقت نماز آمد
 آن مرد از تیمم نماز شروع کرد بعد از آن ستور گم شده آواز جای آورد و چون آن مرد شنید
 نماز او باطل شد زیرا که آب موجود شد **سوال** دو مرد در نماز بودند مردی در خواب افتاد نماز
 درست و نماز دیگری فاسد شد چگونه باشد **جواب** آن کس که در خواب افتاد نماز او فاسد شد
 و آن کس که بیدار بود نماز او جایز **سوال** شخصی چهار رکعت سنت پیشین گذارد و بعد
 از آن چهار رکعت فریضه بگذارد سنت مردی از فریضه روا باشد چگونه است **جواب** آن شخص
 و صنوساخته بود هیچ موزنه فراموش کرده بود چون سنت گذارد آن مقام بمقام دیگر
 بمقصد حاجت بیرون آمد قطرات باران که بر گیاه او بودند بر موزنه او رسیده قائم بمقام
 شدند نماز فریضه او اگر دید و نماز سنت را می **سوال** دسری خم دارد یکی خم و غش دوم
 ششیر سوم خم که در هر خمه چیزی در میان سنت انداخته پس در سنت که غش کرد

بر کلام حکم بجاست کند جواب حکم نمونن بخاکم فدا کرد و حق از شکم نمونن بیرون آید حکم بجاست
 بر حکم نمونن کند و اگر شیر بیرون آید بر حکم نمونن شیر حکم کند و اگر سر بیرون آید بر حکم نمونن حکم بجاست
 و اگر بعد شکم فتن چیر بر بیرون نیاید از شکم نمونن پس آن نمونن را پیش گرداند از دگر گرد
 بجز در حکم بجاست بر حکم نمونن کند و اگر گرد نمونن را بخورد حکم بجاست بر حکم نمونن باشد
سوال کدام سنت است که قایم مقام فرشت است و به او آن سنت از فضیله ساقط می شود
جواب آن مسح موزه است زیرا که قایم مقام می شود بمقام شستن یا بیکاه که فرشت
 و الله اعلم بالصواب **سوال** هر که نماز بعد از نماز کند در موزه بشکند برای او چه قدر عذاب است
جواب اگر برای نماز یکوفت شستن سزاوار و چهار صد سال در عذاب و در موزه گرفتار ماند و بر
 یک موزه ماه رمضان زیاد تر از این محدثی در

تمام ہو ارسالہ منکلات الفقہ المعروف بحیث الفقہ

استفتا جواب بکها هو امو کو وجیه الدین جہار محمد کا ہے **سوال** آدمی کسی چیز غلام
 اور لونڈی ہوتا ہی اور کون آدمی کی علام اور لونڈی ہو سکتا ہی **جواب** آدمی حر سے
 غلام و کثیر ہو سکتا ہی نہ غیر اسکا مگر ساتھ تبعیت مان اپنی کی کہ کثیر ہو اور سب غلام و کثیر ہو سکتا
 ابتدا و غلبہ ہو حالاً اور مالا یعنی بالفضل اور آئندہ کو نہ غیر اسکا بی و غیرہ اسلمی ہی کہ سبب پیدا کر نوا
 ملک کام چیز من غلبہ ہی نہ غیر اسکا اور محل اسکا مال مباح ہی غیر اسکا اور آدمی من مال مباح فقط
 حر ہی ہے اور منی غلبہ کی قدرت اور قابو بانی ہی ایک چیز بالفضل اور آئندہ کو ہی یعنی اس طرح کی
 پناہ من آیا کہ کوئی اسی چہا نہیں سکتا اور غالب حربی پر جو کوئی ہو مسلمان ہو یا کافر آدمی ہو یا کافر
 مالک اسکا ہو جاتا ہے اور کہا ہی ہر این کہ مالک نہیں ہو چہا حربی نہ مالک بیرون ہوا و نہ او
 امہات اولاد ہماری کے اور نہ او پر حکا تہ ہر کی اور نہ او پر اجار جاری کی اور مالک ہو سکتے ہیں ہم
 اہل حرب کی ان سب چیزوں کا اگر کی اسلمی کہ سبب ہو غلبہ سوا اسکی نہیں کہ مفید حکم محل من ہوتا ہے

اور محل اسکا مال سباح ہی اور جو مضموم بذات خود ہی اور اس طرح وہ کہ سوا ہی اسکی مین یعنی مذکور اور ام
ولد اور مکاتب ہماری اسلمی کہ ثابت ہوتی ہی حریبت انہیں ایک طرح کی عجلت بردون کفار کی اسلمی
کہ شروع فی سادہ کردی ہی عصمت لکے جو عن جنایت یعنی قصور انکی کے اور کردیا ہے انکو
بروردہ اور نہیں جنایت النسی یعنی مذکور اور ام ولد اور مکاتب ہماری ہی اور ہدایہ مین ہیہ ہی مذکور ہی
کہ جب غالب ہوں کفار ترک روم بر پس مذہب مین بگردن او کو اور یون اموال کی مالک ہوتی ہیں
سبب اسکی کہ غلبہ مستحق ہوا مال سباح مین اور غلبہ ہی سبب ملک ہی اور ہدایہ مین ہیہ ہی مذکور ہی کہ غلبہ
مستحق نہیں ہوتا مگر سادہ احراز کے طرف دور سے لے لے لے
انکی طرف ملک اپنے کے اسلمی کہ غلبہ عبارت ہے
قابو بانی ہی محل سبب افضل اور کار اور ذمی بیج حکم مذہبنا و امہات اولادنا الخ کی داخل ہی ہوتا ہوتا
ایجنیک لیکون دماءہم کد صائنا و امواتہم کما مواتنا یعنی اسلمی کہ سوا اسکی نہیں کہ خیر
کیا ہی انہوں کی نیز یہاں کہ ہوں خون انکی مانند خون ہمارے کے اور اموال مانند اموال ہمارے کے
پس ذمی مضموم غلبہ ہی چنانچہ اسلمی کہ اسکی قتل ہی قصاص لازم آتا ہی اور بحر الرین مین آیا ہی کہ حاو
مین مذکور ہی کہ ملک خد صاحب ہی مانع غیر کو اور وہ اثر غلبہ کا ہی اسلمی کہ سبب غلبہ ثابت ہوتی ہی ملک
اچیز مین کہ خالی ہو ملک ہی اور وہ چیز کہ خالی ملک ہی ہی سباح ہی اور غلبہ فقط طریق ملک ہے
تمام اموال مین اسلمی کہ اصل باحت و معین اور بیع اور ہبہ اور مانند انکی ناقل مین ملک کی کہ حاصل
ہوتی ہی سبب غلبہ کی طرف اسکی نہیں ہوا شرط بیع ہی ہونا ملک کا وقت بیع کی تا انکہ جمع نہیں کی سباح مین ہی
کی سبب خیالی ہونی محل کی ملک ہی وقت بیع کی اور سبب ارث اور وصیت کی حاصل ہوتی ہی خلاف یہاں ملک
کہ گویا مانی اسی اول ہی نہ انتقال یعنی انتقال حاصل نہیں ہوتا ہی تا انکہ واسطی ارث کی ہی سبب سبب
ثابت نہیں ہوتا بخلاف مول لینی والی کے پس سبب بابت مین ہیں ایک تو ثابت کہ مولاد واسطی ملک کے
ہی اور وہ غلبہ ہی دوسرا انتقال کہ مولاد ملک اور وہ بیع ہی اور مانند اسکی اور تیسرا اختلاف ہی اور
وہ ارث اور وصیت ہی اور غلبہ مین ہونا ملک اور جہاں اور اذن بادشاہ کا شرط نہیں ہی ملک جو

TITLE مستندات الفقه

[illegible]

MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

